



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کارگاه شعر



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کارگاه شعر

مرتضا پورحاجی

۱- شاید بوطیقاگرایی اگر که شکل متحول شده‌ی آن را در نظر بگیریم یکی از عوامل چالش در وضعیت شعری باشد که آن را «شعر امروز» خطاب می‌کنند. در بوطیقاگرایی امروز صورت تحولات و شناسایی آن‌ها در تاریخ بوطیقای شعر اهمیت فراوان می‌یابد.

بسیار شنیده می‌شود و یا در مقالات و نقدها خوانده می‌شود که «شعر امروز» شعریست که احتیاج به مقدمات و دانشمندی‌های پیش از اثر دارد. می‌خواهم یادآور شوم که ارسطو نیز در بوطیقای خود در برخی حوزه‌ها اعتقاد به پرولوگ دارد. پرولوگ‌ها خطابه‌ها و یا چیزهایی از این دست بودند که پیش از آغاز یک اثر می‌بایست تقریر می‌شد. به نظر می‌رسد که ارسطو از پرولوگ‌ها انتظار تولید فضایی را دارد که پس از تولید آن، اثر امکان تحقق تام، تأثیرگذاری نهایی و یا حتی امکان شکل گرفتن می‌یابد. به اعتباری پرولوگ‌ها - در نگاه ارسطو - حوزه‌ای نشانه شناختی به وجود می‌آورند که اجزا یک اثر توسط آن دلالت‌ها و امکانات تصدیق خود را به شکلی مصوب و محتوم کسب می‌کردند.

در لایه‌ای دیگر طرح شدن پرولوگ‌ها از سوی ارسطو موضوع دیگری را نیز به پیش می‌کشد. در صورتی که پرولوگ‌ها انتظارات ارسطو را برآورده کنند (حاشا و

محال)، و اثر سرراستانه به همراه خود دلالت‌ها و نظام ارجاعات خود را نیز به مخاطب خود منتقل کند، آنگاه در نهایت چه قصدی را ارضا کرده است؟ آیا چیزی که در لایه‌ی نهایی منتقل می‌شود مجموعه‌ای از طرح‌افکنی‌ها و خواست‌های مؤلف در زمینه‌ی تخمین پیشینی و واکنش‌های مخاطب نیست؟

دیگر این بدیهی است که پرولوگ‌ها تولید دانش پیشینی می‌کنند و پیشینی بودن آن مهم‌ترین شرط معنامندی و وجود آن‌هاست.

در نهایت باید گفت که پرولوگ‌ها به واسطه‌ی رفتار خود از یک سو مرز بین آن‌که مؤلف است با آن‌که مخاطب است را تشدید می‌کنند و از سویی دیگر به واسطه‌ی تصویری که از انتقال همه‌جانبه‌ی اثر دارند و نیز تلاش می‌کنند تا آن را تولید کنند سعی در یکی سازی این دو فرد مجزا شده را دارند. پرولوگ‌های خواننده شده برای مخاطب نشان می‌دهد که کسی هست که بیرون و پیش از او اثر و خواسته‌هایی برای آن را فراهم کرده و این مقدمات و پیش‌گویه‌ها را می‌گوید و یا می‌نویسد چرا که تصور می‌کند کسی که در آینده‌ی اثر هست و در بیرون اثر نیز قرار گرفته، مخاطب آن است. و از سوی دیگر مخاطب به واسطه‌ی این پیش‌گویه‌ها می‌بایست دقیقاً همان راهی را برود که آن آفرینشگر خاص رفته است. و به این ترتیب مخاطب می‌بایست نسخه‌ی ژنریکی از آن آفرینشگر مذکور شود.

۲- «کارگاه شعر» با اندیشه‌های ارسطو رابطه‌ای بنیادی دارد اما نقادانه.

اگر بپذیریم که «کارگاه شعر» محلی برای مرابطه‌ی شعر - اندیشی‌ها و شعر - نویسی‌هاست؛ اگر بپذیریم که «کارگاه شعر» شاید محلی برای خود - تبیینی‌ی شاعر است و تلاش می‌کند تا این مهارت را در او به‌وجود آورد، اگر بپذیریم که... آنگاه می‌بایست تمایزهای خود را با آن نگاه در بوطیقای ارسطو نشان دهیم. البته این اصلاً امر مهمی نیست که شعر - اندیشی‌ی امروز با نگاه ارسطو متمایز است. این بدیهی است که در طول تاریخ شعر، اندیشه‌ها نگاه گذشتگان خود را به چالش بکشند. هرچند که این چالش دهی سرعتی آهسته داشته باشد. اما این مهم است که با تشریح این تمایزها در واقع یک بار دیگر نگاهی را به چالش بکشیم که معتقد است در حالای شعر فارسی نفس می‌کشند اما همچنان دیدگاهی ارسطویی دارد. این که گمان برده می‌شود شعر امروز احتیاج به مقدمات دارد در یک چرخش نه چندان پیچیده طرح مجدد همان دیدگاه ارسطویی است که دانشمندی‌ی پیشینی به واسطه‌ی

مقدمات و پرولوگ‌ها را لازمی درک یک اثر می‌داند.

آن‌که می‌گوید چرا شعر امروز نیاز به مقدمات دارد، به نظر این کارگاه هرگز منظورش این نیست که چرا تولیدی صورت نمی‌گیرد که یک‌سر از نگاه مقدمه‌پرور فاصله گرفته باشد، بلکه احتمالاً منظورش این است که چرا شعری گفته نمی‌شود که مقدمات آن در میان دانش‌ها و تجربه‌های عمومی و اجتماعی موجود باشد و هر مواجهه شونده‌ای با اثر در درون خود آن پرولوگ‌ها را پیشاپیش و همواره داشته باشد. ۳- مراد از این مطالب که طرح شد به انجام رسانیدن بحثی خاص یا نگاشتن مقاله‌ای پیرامون فاصله بوطیقای ارسطو و نگاه امروزه، و یا نوشتن مقاله‌ای در تشریح جنس و گونه‌ی کارگاه شعر نبود. اگرچه پیرامون آن‌ها در آینده و در این کارگاه حتماً مطالبی را مفصلاً خواهید خوانند. بلکه مراد آن بود که در قالب نمونه‌ای اهمیت خود تبیینی‌ها و اندیشیدن به تمایزها در این کارگاه نشان داده شود. کارگاه شعر بایا شامل اجزای مختلفی است که با کمک شما و مطالب‌تان به وجود خواهد آمد:

- بررسی‌ها و کنکاش‌هایی که بر روی شعرهایی از شما که مایل به شرکت دادن آن‌ها در کارگاه هستید.

- مقالاتی که بررسی مفهوم «کارگاه شعر» به شکلی کلی می‌پردازد.

- و نقدهایی از شما که بر روی آثار دیگران نوشته‌اید.

در پایان باید بگویم که کارگاه شعر بایا در این شماره علی‌رغم آن‌که شعرهایی را از میان اشعار رسیده و یا کتاب‌های موجود کاندیدای مطرح شدن در کارگاه می‌داند اما به این دلیل که صاحبان آن‌ها از این مسأله اطلاعی نداشتند. از طرح کردن آن‌ها در این شماره صرف‌نظر کرده است تا مبادا که نویسندگانی مایل به طرح شدن شعرش در کارگاه نباشد.